

رقابت در خانه خدا

**Sibling Rivalry in the
Household of God**

**مؤلف : جی آدامز (Jay Adams)
مترجم : شاهرخ صفوی**

مقدمه

در کلام خدا می خوانیم:

عبرانیان ۱۳

۱: "محبت برادرانه همچنان بر قرار باشد."

اول پطرس ۲

۱۷: "همگان را حرمت بدارید، برادران را محبت کنید، از خدا بترسید و به پادشاه احترام بگذارید."

اول پطرس ۳

۸: "باری، همه یکدل و همدرد و برادر دوست و دلسوز و فروتن باشید."

رقابت در خانه خدا، مانند آنچه در دنیا شاهد آن می باشیم، کاملاً بخاطر گناه است. روانشناسان و صاحب نظران دنیا ممکن است تقصیر را جای دیگری ببینند و بخواهند مشکل را سرهم بندی کنند، ولی موفق نخواهند شد. دنیا تقصیر را بر دلایلی می گذارد که باعث رقابت می شوند، اما کلام خدا این "دلایل" را در واقع دلیل نمی شناسد، بلکه فرصتی برای ایجاد رقابت می داند. خود خواهی، حسادت، بد بینی و غیره، همه عضو طبیعت از جلال افتاده انسان می باشند و اینها هستند که ریشه مسئله ای که وارد خانه خدا شده را تشکیل می دهند. و به این خاطر، علاج و پیش گیری چنین رقابت های خانمان سوز را نیز تنها عیسی مسیح می تواند به وجود آورد. واکنش های انسانی کافی نیستند، چون تنها نشانه ها و فرصت های مسئله را در نظر می گیرند، و توانایی ایجاد آن تغییر و تحول درونی که امکان از میان برداشتن این صفات مادر زادی است را ندارند. چنین کاری تنها از طریق عمر دوباره و پاکسازی روحانی میسر است. جواب مسئله را نباید در روانشناسی جست، بلکه در کلام خدا. کلام خدا راه حل این، و هر مسئله دیگری که انسان دارد را نشان داده است.

روح القدس که با فیض عظیم خود کلام خدا را الهام بخشید، تغییر و تحول درونی لازم را در فرزندانش ایجاد می کند، تا بتوانند بر خودخواهی که ریشه عمده رقابت ها است چیره شوند. در وحله اول، روح القدس آن سنگدلی سرد و مرده ای را که نسبت به حقایق خدا تأثیر ناپذیر است، و همگی با چنین دلی به دنیا آمده ایم، را از میان بر می دارد. در جای آن، دلی گوشتی که گرم و زنده است را ایجاد می کند، که پذیرای حقیقت می باشد (حزقیال ۳۶ : ۲۶). سپس با این دل تازه و حقیقت پذیر، همراه کلامش شروع به کار می کند، تا آن را آگاه و مطیع نماید و فرزند خدا را رفته رفته در شباهت به عیسی مسیح در آورد (افسیان ۲ : ۱۰ و رومیان ۸ : ۲۹).

روح القدس میوه اش را (غلاطیان ۵ : ۲۲ و ۲۳) اینگونه عمل می آورد؛ او فرزند خدا را یاری می دهد تا بر عقاید و رفتار های گناه آلود خود چیره شود و آنها را رد کند، تا توانایی تطبیق با راه و روش های خدا را بدست آورد (اشعیا ۵۵ : ۷ تا ۹). آن زندگی که بر درون و تنها در مقابل خود و خدا دارید، منشاء افکار، عقاید، و رفتار های شما است (متی ۱۵ : ۱۹ و امثال ۴ : ۲۳). بر درون دل است که فکر می کنید و نقشه می کشید (مزمور ۱۴ : ۱ و امثال ۶ : ۱۸ و امثال ۱۶ : ۹). آنچه می گوئید، از دل سرچشمه می گیرد (متی ۱۲ : ۳۴) و تصمیم به عمل می کنید (اعمال ۵ : ۳ و ۴). عقیده بر آنکه "احساسات" از دل بر می انگیزد، از فرهنگ غرب آمده، و مطابق با کلام خدا نیست.

کلام خدا می فرماید:

اول سمونیل ۱۶

۷: "به چهره اش و بلندی قامتش نظر نما زیرا او را رد کرده ام، چونکه خداوند مثل انسان نمی نگرد، زیرا که انسان به ظاهر می نگرد و خداوند به دل می نگرد."»

اول پطرس ۳

۴: "بلکه در آن انسان باطنی باشد که آراسته و زیبایی ناپث مردنی روحی ملایم و آرام است، که در نظر خدا بس گرانبه است."

دل جایی است که زندگی حقیقی خود را داریم و نه تنها احساسمان. دل شامل تمام شخص درونی ما می باشد، و خلاصه احکام خدا که دوست داشتن او و همسایه خود است (متی ۲۲ : ۴۰) تنها از طریق دل تازه که پذیرای حقیقت خدا است امکان پذیر می شود. محبتی که خدا را خوشنود می کند تنها از طریق روح القدس انجام می گیرد و تنها به مسیحیان داده شده است:

رومیان ۵

۵: "و این امید به سرافکندگی ما نمی انجامد، زیرا محبت خدا توسط روح القدس که به ما بخشیده شد، در دل‌های ما ریخته شده است."

غلاطیان ۵

۲۲: "اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خوشتنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست."

روانشناسی نمی تواند دل را آنگونه تغییر بدهد تا افکار، عقاید، و رفتاری که از آن سرچشمه می گیرد، خدا را خوشنود کند. روانشناسی نمی تواند محبت، شادی، آرامش، و غیره را ایجاد کند. اینها موه روح القدس می باشند. تنها اوست که می تواند میوه ای را که خوشایند خدا است وجود آورد. و دقیقاً همین میوه است که لازم می باشد تا تلخه های زشت خود محوری را از میان بردارد.

در نتیجه، مسئله را از دیدگاه کلام خدا خواهیم سنجید، و جویای راه حل هایی که کلام خدا داده خواهیم شد، با نظر به آنکه کلام خدا می فرماید؛ شما ایمانداران " خود از خدا آموخته اید که یکدیگر را محبت کنید،"

اول تسالونیکیان ۴

۹: "در باره محبت برادرانه نیازی نیست چیزی به شما بنویسم، چرا خود از خدا آموخته اید که یکدیگر را محبت کنید،"

فصل اول

رقابت میان برادران و خواهران مسیحی

من در پشت خانه ام، ظرف آبخوری برای گنجشک هایی که به باغ می آیند، از درختی آویزان کرده ام. این آب خوری آنقدر بزرگ است که ده تا دوازده تا گنجشک می توانند در هر موقع از آن آب بخورند. ولی، با این حال از صبح تا غروب، این آبخور نمایشی از جنگ های هوایی برای من و همسرم شده است. دائماً یکی از گنجشک ها که اسمش را "شیرزاد" گذاشته ایم، همه گنجشک های دیگر را از آبخور دور نگاه می دارد.

همانطور که گفتم، جا برای حد عقل ده گنجشک هست تا از آن آب شیرین بخورند، و همیشه حد اقل همین تعداد گنجشک نیز سعی می کنند تا از آن بخورند. اما "شیرزاد" که صاحب آبخور شده، نمی گذارد گنجشک های دیگر از آن آب بخورند. تمام روز بر روی شاخه درختی می نشیند و از آبخور مطعلق به "خود" پاسداری می کند. هر روز شاهد این نمایشنامه که نموداری از زندگی روزانه است می باشیم. این نمونه خوبی از فیض می باشد. من آبخور را خریداری کردم؛ من آب و شکر را فراهم کردم. گنجشک ها کسب معاش نکردند؛ آنها همه را مجاناً دریافت می کنند. ولی با این وجود، هر روز بر سر آنکه کدام از آن استفاده کنند دعوا دارند.

این نمونه ای نیز از فرزندان خدا است! هر چه ما داریم و هستیم از جانب فیضی است که خدا دارد. اما با این وجود، مغرور و خود خواه و حسود و ستیزه جوئیم. بجای آنکه خدا را در فروتنی شکر کنیم و آنچه به ما داده شده را با دیگران قسمت کنیم، برای هدایای خوب خدا دعوا می کنیم. همانگونه که من روزانه در خانه خود با رقابت روبرو می شوم، خدا نیز روزانه در خانه خودش با رقابت روبرو می شود.

اما رقابت چیست؟ باید ابتدا بدانیم معنی آن چیست. رقیب کسی است که به خاطر همان جنس یا هدف می کوشد، و همان درجه و یا بهتر از آنچه دیگران دارند را برای خود می خواهد. به هر تعریفی که مراجعه کنیم، کش مکش درونی و یا بیرونی را می بینیم. رقابت شامل فکر و عمل خاصی است. این دو عنصر همیشه حاضرند، صرفنظر از شکلی که رقابت داشته باشد. آن را در میان گنجشک ها می بینیم، در میان دو نفری که خواستشان یکی است می بینیم، و در میان دو کشیش کلیسای مختلف می بینیم که "گوسفند دزدی" می کنند.

ولی در مفهوم کتاب مقدس آن، عنصر دیگری نیز هست، و آن تلخی و حتی تنفیری می باشد که ممکن است به قتل سرانجام گردد (آنچه بر سر قائن آمد). در آیاتی از عهد قدیم، عنصر برجسته زبان عبری "حریف یا دشمن" برآستی عنوان شده است (لاویان ۱۸ : ۱۸ ؛ تثنیه ۳۲ : ۲۷ و ۴۳ ؛ یوشع ۵ : ۱۳ ؛ اول سموئیل ۱ : ۶). رقابتی که منظور بحث این کتاب می باشد: روحیه سبقت جوئی که همراه نظر بد، منجر به هدایت افکار و رفتاری منفی نسبت به شخص دیگر می شود.

نگرش و نحوه برخورد (فکر و رفتاری "attitude") انسان است که سعی می کند انتقام بگیرد، سبقت بجوید، و بیشتر از دیگری دریافت نماید. آنچه این نوع رقابت را بر می انگیزد، حسادت، انزجار، و خود محوری است. رقابت کلمه زشتی است که زندگی ناخوشایندی را نشان می دهد. یک محقق آمریکایی عنصر اصلی زندگی در کشور خود را "نیاز به ثروت و قدرت بیشتر از هر کس دیگر" خلاصه کرده است. نه تنها این برجسته ترین گناه مردم این کشور می باشد، وجود آن در کلیسا های این کشور نیز تأسف بار است. نویسنده معروف آمریکائی در کتابی به نام "بشارت"، نوشته دلیل آنکه مردم به کومونیسم روی می آورند، بخاطر آن نیست که مجذوب آن شده اند، بلکه بخاطر یأس و نومیدی است که بحران این جهان در طول تاریخ ایجاد کرده است. و در این بحران، شخص نیست که عمل می کند بلکه عکس العمل او است. اشخاصی هستند که زندگی خود را در رقابت خلاصه کرده اند. بیشتر وقتشان را در نگرانی و نقشه چینی میگذرانند. افکار و رفتارشان بیشتر اوقات بر علیه اشخاص

و منافع دیگران است. در عهد جدید کلام خدا، اصطلاحی هست که تصویر رقابت با کسی را نمایان می سازد تا او را در چیزی شکست بدهد. مفهوم آن از عملکرد کارگران روزمزد سرچشمه گرفته است. کارگران روزمزد، رقیبان زیادی را داشتند، و میبایست کوشش و تقلا کنند (مبارزه با دیگر کارگران) تا کار روزانه خود را بدست آورند. عنصر دیگری که رقابت دارد، بدست آوردن رُکن و مقامی است که به طریق غیر قانونی بدست آمده است. به آن معنی که خود را از روی خود خواهی پیش میبرد تا افراد دیگر را از جلوی راه خود بیرون می کند.

معمولاً در عهد جدید لغات رشک و حسادت را با هم می بینیم (رومیان ۱۳ : ۱۳ ؛ غلاطیان ۵ : ۲۰). حسادت، چشم و همچشمی را ایجاد می سازد بخاطر بدست آوردن آنچه دیگری دارد. در غلاطیان ۵ : ۲۶ می خوانیم:

غلاطیان ۵

۲۶ : "خودپسند نباشیم و از به خشم آوردن یکدیگر و حسادت نسبت به هم دست بداریم."

در آغاز فصل این کتاب، من راجع به گنجشک هائی که در باغم هستند صحبت کردم. حال بگذارید مثال بهتری را بیاورم. رقابت در کلیسا بیشتر مانند ماهی هائی میماند که برای طعمه ماهیگیر با هم رقابت می کنند. یکی با زور، دیگری را کنار می زند تا آنرا بدست آورد، و به دام میافتد! پولس می گوید:

غلاطیان ۵

۱۵ : "ولی اگر به گزیدن و دریدن یکدیگر ادامه دهید، مواظب باشید که به دست یکدیگر از میان نروید."

رقابت به انسان صدمه وارد می کند، کلیسا را ضعیف می کند، و خدا را دشنام می سازد. بجای آن، پولس می گوید:

غلاطیان ۵

۱۳ : "ای برادران، شما به آزادی فراخوانده شده اید، اما آزادی خود را فرصتی برای ارضای نفس مسازید، بلکه با محبت، یکدیگر را خدمت کنید."

در واقع، برای شخص مسیحی که میدانند خواست خدا این است که "برادران با یکدیگی با هم ساکن شوند" (امثال ۱۳۳ : ۱)، رقابتی وجود دارد که بنیادی است؛ رقابتی است میان محبت بخود، و محبت به برادران و خواهران. رقابتی است میان قوایی که بر درون انسان در کارند و در غلاطیان ۵ : ۱۶ تا ۱۷ به آن اشاره شده است. رقابتی است میان قوای جسمانی که خواهان ارضای خواست های گناه آلود می باشد، و روح القدس که مشغول ایجاد محبت به خدا و همسایه خود است (رومیان ۵ : ۵).

امید من این است که این کتاب به شما کمک کند تا در این جنگ پیروز شوید. این جنگی است که احتیاج به تمام انرژی شما دارد.

اول پطرس ۲

۱۱ : "ای عزیزان، از شما تمنا دارم چون کسانی که در این جهان بیگانه و غریبند، از امیال نفسانی که با روح شما در ستیزند، بپرهیزید."

امیال جسمانی شما رقیب سمج و پر قدرت شما هستند. وظیفه شما این است که با یاری قدرت عظیم روح خدا، این دشمن را در تمام پیچ و خم های زندگی خود شکست بدهید. هر چه در این نبرد ادامه دهید و پیروز شوید، دشمن صورتش را به گونه های دیگری ظاهر خواهد کرد، ولی توجه داشته باشید که در این نبرد شما تنها نیستید.

فصل دوم

چگونه رقابت ابراز می‌گردد؟

شکل و اندازه آن از همان آغاز وجود داشته- فرصتی برای گناه، فرصتی برای مقایسه، حسادت، غضبناک، منکر شدن وعده‌ها و اخطارهای خدا، تنفیری که منجر به گناهان بیشتری می‌شود. سرانجامی که همه اینها دارند، فاجعه آفرین و مصیبت بار است. اولین اولاد از اولین خانواده بشر، قائن؛ برادرش را کشت. و تا بحال نشانه‌های روزانه این واقعیت را می‌رسانند که چه درون کلیسا و چه بیرون آن، مسئله به قوت خود باقی است- برادر متنفر از برادر است، خواهر به خواهر حسادت می‌ورزد، رقابت میان برادران و خواهران خانه خدا منجر به از هم پاشیدگی خانواده می‌گردد.

کتاب دنیوی که برای آموزش و پرورش اطفال نوشته شده (۱)، چنین می‌گوید:

بیش از هر چیز، سعی کنید اطفال را از یکدیگر جدا نگاه بدارید. دعوا و منازعه میانشان امری طبیعی است و باید آن را قبول کنید. و حاضر باشید که آن را تحمل کنید تا بزرگ شده و از این دوره طولانی خارج شوند. اطفال طبیعتاً می‌خواهند بهترین باشند، اولویت داشته باشند و از محبت بیشتری برخوردار گردند. چنین عکس العمل‌ها غیر طبیعی و نامعقول نیستند.

از دیدگاه دنیا، رقابت میان برادر و خواهران "دوره" ایست کاملاً طبیعی. خود محوری، طبیعی و معقول خوانده می‌شود، و تنها کاری که والدین می‌توانند بکنند این است که صبر کنند تا بزرگ شده و از این دوره طولانی "خارج" شوند. ضمناً، "بهترین" کاری که والدین می‌توانند بکنند این است که خواهران و برادران را دور از یکدیگر نگاه دارند!

آیا این درست است؟ آیا رقابت میان خواهران و برادران امری طبیعی است؟ آیا این واقعیتی است که میان مسیحیان نیز صدق می‌کند؟ آیا "نیازی" برای رقابت وجود دارد؟ آیا حسادت و تنفر و کشمکش‌ها را باید قبول کرد و آنها را تحمل نمود؟

خیر.

رقابت میان برادران و خواهران طبیعی نیست. و این تنها "دوره طولانی" نیست که همه اطفال می‌گذرانند. این دوره ای از "طبیعت" انسان نیست، و یا صفتی که خدا از طفولیت ما داده است. من می‌خواهم این حقیقت را در شروع عنوان کنم تا هیچ سوء تفاهمی وجود نداشته باشد: رقابت، طبیعی و معقول نیست - گناه است.

"آیا اطمینان دارید؟ آیا می‌توانید حرف‌های خود را ثابت کنید؟"
البتّه.

من میدانم که رقابت و حسادت میان برادران و خواهران خانواده امری طبیعی نیست، چون عیسی مسیح اولادی میان فرزندان دیگر بود، و هیچ‌گونه رقابتی نداشت. عیسی مسیح انسان واقعی بود. و آن هم بیش از ما، چون انسانیت ما به اثر گناه فاسد شده است. ولی او هیچ وقت نسبت به دیگر اعضای خانواده اش حسادت نورزید، بی

جهت عصبانی نشد، و به خاطر خود خواهی، مصیبت و غم و غصه وارد نیاورد. اگر رقابت میان اعضای خانواده امری طبیعی است، در عیسی مسیح نیز نشانه هائی از آن باید دیده می شد.

"ولی عیسی مسیح بی گناه بود."

دقیقاً. رقابت عضو طبیعت بشر نیست؛ عضو طبیعت "گناه آلود" بشر است. چون عیسی مسیح مشکل رقابت را نداشت، نتیجه می گیرم که رقابت از گناه می باشد. وقتی ما مسیحی می شویم، عیسی انتظار دارد که بیشتر و بیشتر شبیه او بشویم:

افسیان ۴

۲۴: "و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد."

روح خودش را فرستاد تا آن طبیعت از دست رفته را دوباره بدست آوریم. روح او این امکان را به ما داده، تا راه فاسد قدیم که رقابت فاسد عضو آن می باشد را از خود دور نمائیم.

روالی که رقابت دارد

چه در خانه شما و یا خانه خدا، ترکیب رقابت میان افراد یکسان می باشد. ابتدا از عناصر مختلفی که ترکیب رقابت "قائن" را نشان می داد صحبت کردم. حال قدری دقیقتر به این ترکیب نگاه خواهیم کرد تا ببینیم در آن چه می گذرد:

قائن حدیۀ خود را از محصول زمین نزد خدا آورد، و هابیل حدیۀ خود را از نخست زادگان گله خود آورد. خدا حدیۀ هابیل را قبول کرد، ولی حدیۀ قائن را قبول نکرد. پس هابیل خشمگین و سر افکنده شد. خدا از هابیل پرسید: چرا خشمگین شده و سر افکنده شده ای؟ اگر درست کار باشی، آیا سر افراز نخواهی شد؟ ولی اگر کار خلاف کنی، گناه کمین کرده است؛ تو را هدف قرار داده است. ولی هابیل با برادرش قائن حرفش شد، و هنگامی که در صحرا بودند، هابیل به او حمله کرد و او را کشت.

این وقایع از دیدگاه عهد قدیم می باشد. حال ببینیم عهد جدید در این رابطه چه می گوید:

اول یوحنا ۳

۱۲: "نه چون قائن که از آن شرور بود و برادر خود را کشت. و چرا او را کشت؟ زیرا اعمال خودش بد بود و اعمال برادرش خوب."

ما میدانیم این واقعه مربوط به رقابت در خانواده خدا است، چون در آیه ای که ذکر شده، یوحنا آن را به روابط میان اعضای خانواده خدا ربط داده است:

اول یوحنا ۳

۱۱: "همین است پیامی که از آغاز شنیدید، که باید یکدیگر را محبت کنیم."
 ۱۵: "کسی که از برادر خود نفرت دارد، قاتل است و شما می دانید که هیچ قاتلی از سکونت حیات جاویدان در خود برخوردار نیست."

در این آیات، تمام موضوع رقابت میان اعضای خانواده خدا را مشاهده می کنیم همراه با راه حلی که خدا برای آن دارد، چه برای هابیل و قائن، عیسو و یعقوب، یوسف و برادرانش، یا میان من و شما. راه عملی که خدا نشان داده این است:

- اول** - رویدادی بوقوع میببوند و موقعیت (فرصتی) برای افشای گناهی که درون دل می باشد را ایجاد می کند. در خصوص قائن آوردن هدیه به خدا بود.
- دوم** - گناه انجام شده است. هدیه قائن توهینی به خدا بود و مورد قبول واقع نشد.
- سوم** - فرصتی برای مقایسه بدست می آید. خدا هدیه هابیل را قبول کرد. این دو نفر که خود نمونه ای از قربانی آورده شده بودند، مورد مقایسه و مغایرت قرار گرفتند. هدیه قائن رد شد، و هدیه هابیل قبول شد.
- چهارم** - عکس العمل قائن با عصبانیت بود که منجر به تنفر گردید. سپس، بجای آنکه توبه کند، دل چرکین گشته اخم بر ابرو آورد. خشم و حسادت بر درون دلش بجوش آمد.
- پنجم** - هشدار و وعده پر از فیض خدا رد گردید. با وجود گناهی که کرده بود، خدا به او گفت که اگر توبه کرده و راه درستی را پیش کشد، دلیل برای شادی خواهد داشت.
- ششم** - تنفر تبدیل به قتل گردید. قائن هابیل را از منزل خارج کرده و او را کشت.

امروزه حرکت تصاعدی آن نیز همان است. عناصر همه امروزه نیز موجودند، با وجودی که ممکن است بعضی از آنها آمیخته با هم باشند. اینجا (فصل چهارم پیدایش)، پرستش خدا فرصتی را برای رقابت گناه آلود میان برادران ایجاد نمود. در موقعیت های دیگر، ترجیح دادن یوسف از فرزند کوچکش یعقوب بود (پیدایش ۳۷ : ۳). امروز ممکن است انتخاب عضوی برای انجام خدمت در کلیسا، باعث حسادت اعضای دیگر گردد.

ولی توجه کنید که هیچ یک از این موقعیت ها (فرصت ها)، سبب رقابت نگردید. تنها امکان ابراز طبیعت گناه آلود را فراهم آورد. قائن هدیه ای خودسرانه و نامطلوب که نشانه بی ایمانی و بی حرمتی به خدا بود را آورد. هابیل هدیه خود را "از نخست زادگان گله خود" آورد. و آنچه بیشتر از آیه دریافت می گردد، این است که در واقع، آن دو شخص بودند که مورد قبول و رد شدن خدا قرار گرفتند، و نه تنها هدیه ای که آورده بودند. فرقی که در دلشان بود، فرق در رفتارشان را ایجاد کرد. و به نظر میرسد که این موضوع را نیز خود می دانستند. ماهیت هدیه آورده شده، نشانه فرقی بود که میان دل برادری با برادر دیگر بود. و قائن آن را تبدیل به فرصتی برای رقابت نمود. دل او آن را فرصتی برای فاش کردن خود نمود.

همچنین، رفتار یعقوب با فرزندش یوسف سبب تنفر برادرانش نشد (پیدایش ۳۷ : ۴)، و حتی باز گو کردن رویائی که یوسف از خود و برادرانش داشت (که شاید همراه رعضو خانی نیز بوده باشد (آیات ۵ و ۸)) سبب رقابت میانشان نبود. برادرانش می توانستند از ترجیح یوسف در مقابل فرزندان دیگر به پدرشان اعتراض کنند. و

اگر آن بجایی نمی رسید، لاقلاً می توانستند با وجود چنین وضعی، زندگی را ادامه دهند. اما چنین نکردند، چون دلیل بر درونشان بود؛ آنها مطابق با طبیعت گناه آلودشان رفتار می کردند.

امروزه در خانواده های کلیسایی، وقتی خواهر و برادرانی متوجه می شوند که کشیش عضوی را بیش از دیگران پسند کرده، می توانند آن را با نیکویی و یا تلخی برداشت نمایند. آنکه برداشت تلخی را داشته خشمگین می گردد و در افکار خود مقایسه ای را ایجاد می نماید. در دلش می گوید:

"همه می دانند که من شایسته تر هستم".

دنباله آن ممکن است جدائی میان اعضای کلیسا باشد. اما به عکس، می تواند بگوید:

"خوب من ناکام شده ام، ولی هتماً کشیش دلیل خوبی برای انتخاب او داشته است. شاید این شخص امکاناتی را دارد که من متوجه آن نشده ام. شاید لازم است که من صبر را اختیار کنم. به هر صورت، من برای او دعا خواهم کرد تا در خدمتش موفق گردد".

این نوع افکار و رفتاری است، که خدا را خوشنود می کند و کلیسا را تقویت می کند. اگر این عضو کلیسا، اخم بر ابرو آورده و از "پذیرفته نشدن" خود خشمگین گردد، دلایل بیشماری را برای اختلاف میان خود و دیگر اعضای خانواده کلیسا ایجاد خواهد کرد، و نهایتاً جدائی را به بار خواهد آورد. توجه به آنچه رقابت ایجاد کرده نمائید؛ برادری را در مقابل برادر دیگر قرار داده. اگر آن که "دل چرک" شده، توبه نکند، با احتمال زیاد جدائی میان دیگر برادر و خواهران ایجاد خواهد کرد، و مصیبت های بیشتری را دنبال خواهد آورد. اما پس از توبه و یاری روح القدس، این برادر خواهد توانست برادران دیگرش را چون خودش دوست داشته و محبت نماید، و عکی العملش نیز در قبال پیش آمد های کلیسا، مناسب و موافق باشد.

رقابت در کلیسا

رقابت در خانه زمانی ایجاد می شود که والدین فرزندی را بیش از دیگری محبت می کنند. و معمولاً چنین اتفاقاتی را نیز در کلیسا می بینیم.

عیسی مسیح چنین مسئله ای را در مثالی که از کار گران روز مزد آورده شده است، نشان داد. موضوع، مزد یکسان در برابر کار نایکسان بود (متی ۲۰). کار گرانی که کار بیشتری را کرده بودند، شدیداً شکایت کردند و صاحب کار را بی انصاف غلمداد کردند (آیه ۱۱). ولی صاحب کار (مسیح) جواب داد:

متی ۲۰

۱۴ : "پس حق خود را بگیر و برو! من می خواهم به این آخری مانند تو مزد دهم."
 ۱۵ : "آیا حق ندارم با پول خود آنچه می خواهم بکنم؟ آیا چشم دیدن سخاوت مرا نداری؟"

در اینجا همان عناصری که قبلاً در خصوص رقابت دیده بودیم را نیز می بینیم، یعنی فرصت – ناکامی – خشم – حسادت – بد اندیشی – و رقابت. عیسی مسیح دارد نشان می دهد که خوبی و سخاوتمندی و فیض خدا، می تواند به آنکه حسادت را در دل دارد فرصتی برای گناه بدهد.

چند بار چنین حرف هایی را در کلیسا شنیده اید؟

"چرا او را به جای من انتخاب کردند؟ او تازه به کلیسا آمده، و من مدتی است که عضو کلیسا می باشم."

چنین عکس العملی همیشه در کلیسا وجود خواهد داشت. شخص یا گروهی که برای خدمت در کلیسا انتخاب نشده، بر خلاف شخص یا گروهی که انتخاب شده شورش می کند. چنین پیشامدی را بار ها مشاهده کرده ایم. چند بار در خصوص مشارکت های غذا خوری کلیسا چنین حرفی را شنیده اید: "غذائی که من به مشارکت می آورم همیشه کاملاً خورده و تمام می شود؟" کلیسا هائی هستند که نام آنانی که خدمت بیشتری را کرده بودند بر دیواری با اعلامیه های بزرگ و زیبا نقش بسته شده بود.

این گونه رقابت ها نه تنها میان اعضاء، بلکه میان کشیش ها و مشایخ نیز ایجاد می گردند. ممکن است گروهی از کشیشان همدستی کرده و بخاطر پیش کشیدن نقطه نظرشان، کشیش دیگری را به جان او بی اندازند.

رقابت حسادت آمیز میان کشیشان تازگی ندارد. دیوترفیس نمونه ای از رقابت میان کشیشان است که خراب کاری بسیاری را به بار می آورد. داستان را در سوم یوحنا می خوانیم. یوحنا می گوید:

سوم یوحنا

۹ : "مطلبی به کلیسا نوشتم، اما دیوترفیس که جایگاه نخست را دوست می دارد، اقتدار ما را گردن نمی نهد."

موقعیت چنین بود؛ یوحنا خادمین دوره گردی را به نواهی کلیسای دیوترفیس فرستاد. این خادمین در خانه گایوس که عضو کلیسای دیوترفیس بود ماندند. اعضاء دیگر کلیسای دیوترفیس نیز می خواستند با این خادمین آشنا شده و خانه خود را در اختیارشان بگذارند. این موضوع به دیوترفیس برخورد، چون دوست داشت در انظار مردم مقام اول را داشته باشد. به این جهت خادمین دیگر را رد کرد و آنها را رقیب خود دانست. هر که به این خادمین خوش آمد می گفت از کلیسا بیرون می کرد. یوحنا می گوید که نامه ای در این خصوص به دیوترفیس نوشته بود، ولی بجای آنکه حرف او را گوش کند، یوحنا را نیز رقیب خود دانست.

امروز کشیشانی هستند که نخواهند گذاشت کشیشان دیگر در کلیسایشان موعظه کنند. البته ممانعت به خاطر اختلاف بحق مغایرت با کلام خدا را نباید رد کرد، و امری کاملاً بجا و لازم است. منظور من آن رقابتی است که در افکار خودشان ایجاد کرده اند. از فکری که در نتیجه "مقایسه"، به نظر اعضایشان خطور خواهد کرد می ترسند. در نهایت، مانند دیوترفیس، در فکر خدا و یا رفاه کلیسایشان نیستند، بلکه تنها در فکر خودشان می باشند. بر عکس، یحیی تعمید دهنده را در نظر بگیرید! وقتی شاگردانش با روح رقابت شکایت می کردند که مردم از جانب یحیی به عیسی روی آورده بودند او گفت:

یوحنا ۳

۳۰ : "او باید ارتقا یابد و من باید کوچک شوم."

یحیی خود شاهد زنده ای است از گناه کاری که با یاری خدا، چنان تغییر می کند، تا بتواند رقابت را کنار گذاشته و عیسی مسیح را در درجه اول بگذارد.

تمام اعضای کلیسائی می توانند نسبت به اعضای کلیسای دیگری دلخوری داشته باشند. به عنوان نمونه، کلاس خوردسالان دو کلیسای مختلف، به نوبت غذا برای کلاس خوردسالان کلیسای دیگری فراهم می کنند. رقابت میانشان بقدری شدت یافت که مجبور شدند هر بار غذای فراهم شده را وزن کنند تا گروهی برتری نسبت به دیگری نداشته باشد.

نه تنها اعضای کلیسا همراه مشایخ و کشیشان آن با هم رقابت می کنند، بلکه فرقه های مختلف کلیسا ها نیز با هم رقابت می کنند. حتی در خود کلیساها نیز میان سازمان های مختلف خدماتی، رقابت هائی بخاطر بودجه و مقام و شهرت وجود دارد. در کلیسائی که نام نخوادم برد، رقابت به حدی است که خادمین قسمتی با قسمت دیگر صحبت نمی کنند. چنین رفتاری نهایتاً عواقب بسیار وخیمی را در بر خواهد داشت. نتیجه آن این خواهد بود که کار خدا به هدر خواهد رفت.

اختلافات فرقه ای بقدری طولانی گشته که شخصیت میان اعضا را نیز تغییر داده. در اینجا نیز من صحبت از اختلافات جایز عقیدتی نمی کنم، بلکه صحبت از افکار و رفتار های گناه آلودی می کنم که سوای عقاید، نمی گذارند ایمانداران بهم بپیوندند. آنچه اعضا را از هم بدور نگاه داشته، رقابتی است، که با وجود آنکه اشخاصی که آن را به میان آوردند سالها است که از صحنه خارج شده اند، هنوز جریان دارد. رقابت میان فرقه ها خوراکش را از رهبرانی می گیرد که منافع شخصی در آن دارند. وقتی دنبال مسئله ای باشید، آنرا خواهید یافت. ما همگی بقدر کافی عیب و نقص داریم تا سوخت لازم را برای آتشی که شخصی دنبال آن می گردد فراهم سازیم. مسئله عیب و نقص های موجود نیست، بلکه روحیه ای است که می خواهد اشکالی را پیدا کند. در تمام این موارد، ترکیب مشترکی موجود است. موقعیت ممکن است خوب یا بد باشد (فیض خدا یا طرفداری پدر). ولی به خود، بر خورده است؛ دیگران به نحوی بهتر، آیدشان شده. نتیجتاً دنبال رقیب و حریف می گردند، و رقابت را آغاز می کنند. خشم و مبارزه متقابل نسبت به آنها تبدیل به فاجعه و مصیبت خواهد شد.

حال شما خودتان را در نظر بگیرید، آیا شما نسبت به هیچ یک از موارد گفته شده، تقصیر کار بوده اید؟ آیا ترکیب آن را در زندگی خود مشاهده کرده اید؟ آیا شما نیز وارد حسادت و رقابت شده اید؟ مانند قائل حماقت بخرج ندهید. سرزنش خدا را به گوش بسپارید و نگذارید گرداب آن شما را به رفتاری بکشاند که نمی توانید جبران کنید. خدا از شما می خواهد:

غلاطیان ۵

۱۳ب: "... با محبت، یکدیگر را خدمت کنید."